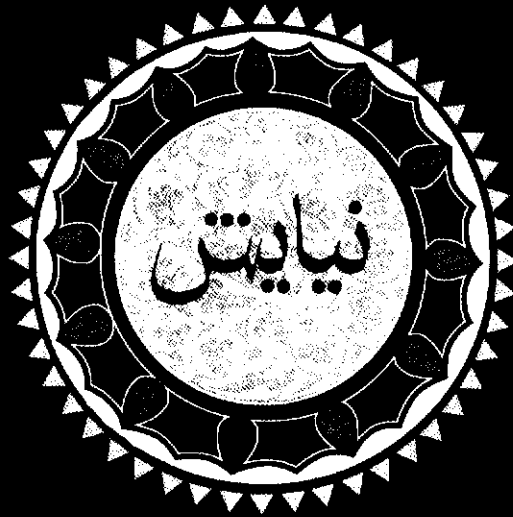


نجوایهای توحیدی

تأملی بر نیایشهای قرآن
شهاب الدین عباسی



دعا و نیایش در قرآن و سنت اسلامی نقشی اساسی و بنیادین دارد. پیامبر اسلام دعا را مغز و گوهر عبادت برشمرده است. در وحی نامه اسلام - قرآن - خداوند خطاب به انسانها می گوید: «مرا بخوتید تا اجابت کنم شما را» و کسانی که از برستش و عبادت من کبر می ورزند بزودی خور در دوزخ درمی آیند (غافر، ۶۰). در جهنم نگری قرآن، همه موجودات بنده و فرماتر خدا هستند و او را تسبیح و ستایش می کنند (مریم، ۹۳؛ تین، ۱۹). بدین ترتیب دعا و نیایش، عبادت و پرستش، و تسبیح و ستایش پروردگار از زکات عالم هستی اند. در این میان، تسان رابطه ویژه و منحصر به فردی با خدا دارد. ایهای در قرآن هست که این ارتباط ویژه را بروشنی نشان می دهد: هرگاه بندگان من، از تو درباره من بپرسند، من نزدیکم و دعای دعاکننده را به هنگامی که مرا بخوتد اجابت می کنم. پس باید فرمان مرا گردن نهند، و به من ایمان آورند باشد که راه یابند (بقره، ۱۸۶). این تنها ایهای است که خدا هفت بار بصورت متکلم وحده و بدون بکار بردن ضمیر جمع که شیوه رایجی در زبان قرآن است با انسان سخن می گوید. دعاهای قرآن بنا بر ساختار کلی قرآن، در سوره یا بخش خاصی از قرآن گرد نامنداند. حضور آنها در قرآن به شکل گسترده و پاره پاره و در متن زندگی و تاریخ است بسان روحی که در سراسر کلام وحی سرپا دارد. تعبیر روح تا حدودی جایگاه حقیقی دعا و نیایش را در نگاه قرآن نشان می دهد زیرا دعاهای قرآن اگرچه در قیاس با کل متن وحی نامه اسلام حجم کمی دارند، بسیار حائز اهمیت اند. با توجه به اینکه در سنت اسلامی دعا، در زرف ترین معنایش، مغز و گوهر عبادت خوانده شده و طبق آیه «ما خلقت الجن و الانس الا ليعبدون» (تاریات، ۵۶) هدف خلقت، پرستش و عبادت دانسته شده می توان به جایگاه بلند دعا و نیایش در فلسفه آفرینش پی برد.

برخی ویژگیهای دعاهای قرآن

۱. از نظر ظرف وقوع، دعاهای قرآن با عالم قبل از دنیا، عالم برزخ، قیامت، بهشت و دوزخ ارتباط دارند. بنابراین

دعاهای قرآن از حیث وقوع دارای کیفیتی فرزمانی اند و به دوره خاصی محدود نمی شوند گرچه بخش عمده دعاهای در بستر دنیا و از زبان پیامبران بیان می شود.

۲. از این ادعیه بخوبی معلوم می شود که از دیدگاه قرآن دعا در همه ادیان حضور دارد و سمول و گستردگی آن بقدری است که می توان آن را از بعد وجود ذمی شمرد. در قرآن پیامبرانی چون ابراهیم، موسی، نوح، زکریا، سلیمان، یوسف، عیسی، یونس، صالح و شعیب دعا می خوانند با خداوند دعاهایی به ایشان آموزش می دهد. اصحاب کهف، همسر فرعون، مومنان، خردمندان و سایر مردمان را هم می بینیم که به درگاه پروردگار دعا می کنند. این حس وجودی دعا حالت و مقام پیامبران الهی است که حتی در شکوه و جلال نیز دارای همین درک عمیق اند و همه چیز را از خدا و بسوی خدا می دانند.

۳. بیشترین درخواستها در دعاهای درخواست امرزش و بخشش کاهان و طلب رحمت الهی است.

۴. بر دعاهای قرآن اصل توحید، که مهمترین رکن اسلام است، حاکم است. همه موجودات حتی شیطان و یا گناهکارانی که با عذاب دوزخ روبهرو می شوند، سررشته همه امور را در دست خدا می بینند و از او درخواست و تمنا می کنند.

۵. در قرآن فرشتگان و حاملان عرش الهی نیز دعا می کنند: پروردگار، رحمت و دانش تو بر هر چیز حاطه دارد، کسانی را که توبه کرده و راه تو را دنبال کرده اند ببخش و آنها را از عذاب نشن نگاهدار. پروردکار، آنان را در باغهای جاوید که وعده شان داده ای با هر که از پدرن و همسران و فرزندان شان که به صلاح ممانده داخل کن زیرا تو ارحم و حکیمی. و آنان را از بدبها نگاهدار. و هر که را در آن روز از بدبها حفظ کنی رحمتش کرده ای و این همان کامیابی بزرگ است (غافر، ۹ - ۷).

به یک اعتبار دعاهای قرآن را می توان به دو بخش تقسیم کرد: الف) ادعیه ای که خود کلام وحی آموزش می دهد، ب) ادعیه ای که بر زبان آفریدگان بیان می شود دعاهای بخش نخست عمدتاً شامل حمد و ستایش و ثنای

خداوند است و نیز از این امور سخن می گویند: طلب هدایت و حفظ از گناه و گمراهی، افزایش دانش، مصونیت از وسوسه های شیاطین، طلب امرزش و استغفار، ورود و خروج درست در کارها، نیکی به پدر و مادر، توبه و تسلیم. دعاهای بخش دوم نیز عمدتاً شامل توصیف و ستایش خداست. در این دعاها جهت اصلی، طلب امرزش و بخشش و رسنگاری اخروی و حفظ از عذاب الهی است و خواسته های دنیوی نیز (از جمله امنیت شهر مکه، طلب روزی، خوش نامی در میان آیندگان، همسر و فرزند صالح، نیکی دنیا، قبول نذر، پاناری در نبرد با کفران، اسان شدن کارها، قدرت بیان، افزایش علم) در همین جهت قرار دارد. در قرآن به طور کلی، بویژه در میان پیامبران، اولیا و خردمندان دعا واجد اصالت و ارزش ذاتی است و چیزی نیست که دعاکننده بخواهد از آن به عنوان وسیله ای برای کسب منافع دنیوی سود جوید. ما بعضی خواسته ها از سوی چهره های منفی در قرآن مطرح می شود که توجه به آنها حقایقی را در مورد دعا و جهان نگری قرآن روشن می کند: از جمله در سه آیه به درخواست و دعای شیطان اشاره شده که با نای رب ز خدا عمر جلوانه می خواهد و می گوید: «پروردگارا، مرا تا روزی که مردمان بر من کینه خواهند شد مهلت ده» (حجر، ۳۶). دعای او یک درخواست صرف است که به روز رستخیز هم اشاره دارد اما صریحاً آن را به خدا نسبت نمی دهد با وجود آنکه بدان علم دارد و به جای آنکه استغفار بطلبد عمر جلوانه و حوالای می خواهد. اهل دوزخ نیز ز خدا می خواهند که خدا آنان را به دنیا بازگرداند تا کزهای نیک کنند و اعمال ناه خود را جبران کنند. آنها هم به جای آنکه ز خدا امرزش و بخشش بطلبد باز هم به خود و به گوشه های خود نظر دارند (مؤمن، ۱۰۷). ز سوی دیگر، چهره های مثبت در قرآن اساساً هر مرتبه نیکی که باشند در مقام تسلیم و بندگی، از خدا امرزش و رحمت می طلبند و کوششها و نیکیهای خود را ناپیده می گیرند.

ابراهیم که در قرآن بیش ز دیگران از او دعا نقل شده و در اوج ایمان به امر خدا فرزند دلیندش را به قربانکاد

می‌برد، در هیچ‌یک از دعاهايش حتی به طور ضمنی اشاره‌ای به این مقام بلند نمی‌کند و با حمد و ستایش خالصانه خدا، برای مردمانش و برای پندگاران دعای خیر می‌کند و آموزش و دستکاری خدای می‌خلبند می‌تون گفت در دعاهاي قرآن دعاکننده در هزارتوی حالات روئی خود گرفتار نیست و کمتر از آنها سخن می‌گوید و بیشتر متوجه خداست و حضور خدا را در دعا و نیایش منعکس می‌کند. در واقع وقتی هم که دعاکننده به وضع درونی خود نظر می‌کند، این نظر با نگاه و نگرش دینی صورت می‌گیرد: دعا می‌کند که خدا دلش را دستخوش انحراف نکند. در دلش نسبت به مومنان کینه‌ای نگذارد و بر او صبر و شکیبایی فروریزد.

دعاهاي قرآن به طور کلی حول محور خدا، آخرت و ارتباط میان آنها می‌گردد. و در این میان پیروی از پیامبران نیز نقشی اساسی دارد. در مورد نکته خیر می‌توان به یکی از دعاهاي حضرت ابراهیم اشاره کرد که از خدا می‌خواهد در میان امت اینده فرستاده‌ای از خودشان برانگیزد تا آیات خدا را بر آنان بخواند، و کتاب و حکمت به آنان بیاموزد و پاکیزه‌شان کند (بقره، ۱۲۸ و ۱۲۹). دعاي نصرانیان نیز در این خصوص شایان ذکر است که به تعبیر قرآن چون آنچه را بسوی پیامبر نازل شده بشنوند بر اثر حقیقتی که شناخته‌اند اشک از چشم‌هایشان سرازیر می‌شود و می‌گویند: پروردگارا، ما ایمان آورده‌ایم پس ما را در زمره گواهان بنویس. و برای چه عدلی به خدا و آنچه از حق به ما رسیده ایمان نیآوریم و حال آنکه چشم داریم که پروردگاران ما را با گروه شایستگان (به بهشت) درآوردند (مانده، ۸۳ و ۸۴).

در دعاهاي قرآن، خدا به دو صورت توصیف می‌شود: ۱. با ذکر اسمای خاص الهی از جمله سمیع، علیم، اللطوب (توبه‌پذیر)، رحیم، عزیز الحکیم، وهاب، سمیع الدعاء، خیر الرازقین، ارحم الراحمین، رتوف، خیر الوارثین و غیره، ۲. با بیان عبارات وصفی. یکی از توصیفات اصلی و بنیادین در مورد خدا که در بن دعاهاي قرآن قرار دارد این است که سرشته همه امور دنیا و آخرت در دست خداوند است و خدا بر هر کاری توانایی دارد. حضرت موسی در دعایی می‌گوید: پروردگارا، توبه فرعون و اشرفش در زندگی دنیا زیور و اموال داده‌ای تا (خلق را) از راه تو گمراه کنند پروردگارا انبیاشان را نبود کن... (یونس، ۸۸) و با سلیمان نبی دعا می‌کند که ملکی به من ارزنی دار که هیچ‌کس را پس از من سزاوار نباشد (ص، ۲۵). هود در سخنی دعاگونه می‌گوید: در حقیقت من بر خدا پروردگار خودم و پروردگار شما توکل کردم. هیچ جنبنده‌ای نیست مگر اینکه او مهربان هستی‌اش را در دست دازد (هود، ۵۶). اندیشه توحید که اساسی‌ترین اصل اسلام است در این ادعیه و لاعیهای که خواهد آمد آشکار است.

که دعایی بر زبان نمی‌آید اما گویی همه وجود بنده به دعا بدل می‌شود. مهمترین مصداق این دعا حضرت ایوب است: او که مثل صبر و شکرگزاری است در میانه مصائب خویش فقط می‌گوید پروردگارا شیطان مرا به رنج و عذاب مبتلا کرد (ص، ۴۱). اجابت این دعا بلافاصله در آیه بعدی می‌آید: یا پای خود (به زمین) بکوب، اینک این چشمه‌ساری‌ست سرد و آسایشی (ص، ۴۲).

دعاهاي قرآن را بطور مستقل و یا در پیوند با ادبیات غنی نیایشی در سنت اسلامی می‌توان به تفصیل شرح و تفسیر کرد. از جمله مباحث شایان بررسی در این مورد، نقش محبت و حضور عناصر اخلاقی لطیف و انسانی در دعاهاي قرآن است. این مقاله فقط روزنه‌ای به دنیای نیایشی قرآن است. آنچه در پی می‌آید منتحسی از نیایش‌های قرآن است که با ذکر نام نیایشگران نقل می‌شود.

ادم و حوا: پروردگارا بر خود ستم کرده‌ایم و اگر بر ما بخشایی و رحمت نیآوری بی‌شک از زیانکاران خواهیم بود (اعراف، ۲۳). ابراهیم: ای پروردگارا، ما تو شنوای دانایی، ما را تسلیم خود قرار ده و از نسل ما منی فرمانبردار خود (پدید آر) و ادب دینی ما را به ما نشان ده و ما را ببخش که تویی توبه‌پذیر مهربان (بقره، ۱۲۷). پروردگارا، مرا و فرزندم را از پرستیدن بتها دور نگه‌دار. پروردگارا، بی‌گمان تو آنچه را پنهان می‌داریم و آنچه را که آشکار می‌سازیم می‌دانی، و چیزی در زمین و آسمان بر خدا پوشیده نمی‌ماند. سیاسی خدای را که با وجود سالخوردگی اسماعیل و اسحاق را به من بخشید. برستی پروردگار من شنونده دعاست.

پروردگارا، مرا بر پلایانده نماز قرار ده و از فرزندان من نیز، پروردگارا دعایم را بپذیر. پروردگارا، روزی که حساب برپا می‌شود بر من و پدر و مادرم و بر مومنان بخشای (ابراهیم، ۴۱-۲۵). پروردگارا، به من دانش عطا کن و مرا به صالحان ملحق فرمای. و مرا از وارثان بهشت برنعمت گردان. و روزی که مردم بر تکیخته می‌شوند رسوایم مکن (شعراء، ۸۷-۸۲). ای پروردگار ما، بر تو توکل کردیم و بسوی تو بازگشتیم و فرجام امور بسوی توست. پروردگارا ما را وسیله نیایش برای کسانی که کفر ورزیدند مگردان. و ما را پیامر که تو پیرومند حکیمی (ممتحنه، ۱).

موسی: پروردگارا، من و برادرم (هارون) را پیامر و ما را در پناه رحمت خود در آور، و تو مهربانترین مهربانانی. تو سرور مایی، پس ما را پیامر و به ما رحم کن و تو بهترین امرزندگان و بری مادر این دنیا نیکی مقرر فرما در آخرت نیز، زیرا که ما به بسوی تو بازگشتیم (اعراف، ۱۵۱ و ۱۵۵ و ۱۵۶). پروردگار، سینه‌ام را کشاده گردان و کارم را برای من آسان ساز و ز زبانه گره بکشی (احه، ۲۸ و ۲۵). پروردگارا مرا از گروه ستمکاران نجات بخش (قصص، ۲۱).

نوح: پروردگارا، من به تو پناه می‌برم که از تو چیزی بخواهم که بدان علم ندارم و اگر مرا پیامبری و به من رحم نکنی از زیانکاران خواهیم بود (هود، ۴۷). و پروردگارا، من و پدر و مادرم و هر مؤمنی که در سرایم درآید و مردان و زنان با ایمان را پیامر (نوح، ۲۷). زکریا: پروردگارا، از جانب خود، فرزندی پاک و بسندیده به من عطا کن که تو شنونده دعایی (آل عمران، ۳۸). ای پروردگار من، هرگز در دعای تو ناامید نبوده‌ام (مریم، ۴). پروردگارا مرا تنها مگذار و تو بهترین زبندگانی (انبیاء، ۸۹).

همسر عمران: پروردگارا آنچه در شکم خود دارم نذر تو کردم تا از کار این جهانی آزاد و تنها در خدمت تو باشم. این

نذر را از من بپذیر که تو شنوای دانایی (آل عمران، ۳۵). همسر فرعون: پروردگارا پیش خود در بهشت خانه‌ای بریم بساز و مرا از فرعون و کردارش نجات ده و مرا از دست مردم ستمگر برهان (تحریم، ۱۱). یوسف: پروردگارا، تو به من دولت دادی و از تعبیر خوابها به من آموختی. ای پدیدآورنده آسمانها و زمین، تنها تو در دنیا و آخرت مولای منی. مرا مسلمان بمیران و به شایستگان ملحق فرما (یوسف، ۱۰).

ساحران فرعون (پس از ایمان آوردن و تهدید به مرگ توسط فرعون): پروردگارا، بر ما صبر و شکیبایی فرو ریز و ما را مسلمان بمیران (اعراف، ۱۲۶). سبیمان: پروردگارا، در دلم افکن تا نعمتی را که به من و پدر و مادرم ازانی دانسته‌ای سیاس بگذارم و به کار شایسته‌ای که آن را می‌بسندی بپردازم، و مرا به رحمت خویش در میان بندگان شایسته‌ات داخل کن (نمل، ۱۹). پروردگارا مرا ببخش در حقیقت تویی که بسیار بخشنده‌ای (ص، ۲۵). اسحاق کف: پروردگارا از جانب خود به ما رحمتی بخش و کار ما را برای ما به سامان رسان (کهف، ۱۰).

یونس: (ان گاه که خشمگین رفت و پنداشت که خدا هرگز بر او قدرتی ندارد تا آنکه در دل تاریکیها ندا در داد که): معبودی جز تو نیست. منزه‌ی تو راستی که من از ستمکاران بودم (نساء، ۸۷).

آموزش دعا در کلاس وحی: پروردگارا تنها تو را می‌برسنیم و تنها از تو یاری می‌جوییم. به راه راست ما را راهبر باش. راه آنان که بر خود را نشان کرده‌ای، همانان که درخور خشم‌اند و نه گمگشتگان (حمد، ۷-۵).

پروردگارا، همه خوبیها بدست توست و تو بر هر چیز توانایی شب را به روز درمی‌آوری و روز را به شب و زینهار از مرده بیرون می‌آوری و مرده را از زنده خارج می‌سازی. و هر که را خواهی، بی‌حساب روزی می‌دهی (آل عمران، ۲۷-۲۶). پروردگارا، از سوسه‌های شیطانها به تو پناه می‌برم. پروردگارا از اینکه شیاطین به بیش من حاضر شوند به تو پناه می‌برم (مؤمنین، ۹۸ و ۹۷). پروردگارا (ما را) پیامر و رحمت کن که تو بهترین بخشایدگانی (مؤمنین، ۱۱۸).

سایر مردمان: پروردگارا در این دنیا به ما نیکی و در آخرت نیز نیکی عطا کن و ما را از عذاب تش دور نگه‌دار (بقره، ۲۰۱). پروردگارا اگر فراموش کردیم یا به خطا رفتیم بر ما مکیر. پروردگارا هیچ بار گرانی بر دوش ما مگذار همچنان که بر دوش کسانی که پیش از ما بودند نهادی. پروردگارا، آنچه ناب تحمل آن نداریم بر ما تحمیل مکن و از ما در گذر و ما را ببخشای و بر ما رحمت آور. سرور ما تویی. پس ما را بر گروه کافران پیروز گردان (بقره، ۱۸۶). پروردگارا، بر ما و بر آن برادرانمان که در ایمان آوردن بر ما پیشی گرفتند ببخشای، و در دلهايمان نسبت به کسانی که ایمان آوردند کینه‌ای مگذار. پروردگارا، راستی که تو رتوف و مهربانی (حشر، ۱۰). پروردگارا ما را از عذاب جهنم در امان بدار که عذابش سخت و دائمی است (فرقان، ۶۵).

پروردگارا گناهان ما و زیاده‌روی ما در کارمان را بر ما ببخش و گناههای ما را استور دار (آل عمران، ۱۴۷). پروردگارا به آنچه نازل کردی گروهیدیم و فرستاده‌ات را پیروی کردیم. پس ما را در زمره گواهان بنویس (آل عمران، ۵۳). ما آموزش تو را خوستاریم و فرجام بسوی توست (بقره، ۲۸۵).